

قلم جناب آقای عبدالرحمن سرنج داغی

## پیام مهم به بنی آدم مخصوصاً به جامعه مسلمان

نظر به بعضی روش و حرکات و اندیشه‌هایی که در این قرن اخیر مشاهده نموده از وظایف وجدانی دانست بعضی نکات و موضوعاتی در سه اصل مختصر به نوع انسان مخصوصاً به فرق و نژادهای اسلامی عرضه بدارد و تذکر بدهد.

اصل اول چنانکه مرحوم شیخ مصلح‌الدین سعدی قدس سره میفرماید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند  
 که در آفرینش ز یک گوهرند  
 جو عضوی بدرد آورد روزگار  
 دیگر عضوها را نماند قرار  
 تو کز محنت دیگران بی‌غمی  
 نشاید که نامت نهند آدمی

تمام افراد و انواع بنی آدم دارای هر مذهب و نژادی بوده باشند بر حسب اینکه در حواس و قوا و عناصر و معنی لفظ انسان (انس والفت) شریک هستند و از مقاد آیة ۷۰ و لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفصیلاً) در سوره اسراء یعنی و هر آینه ما گرامی کردیم فرزندان آدم را و برداشتیم ایشانرا یعنی سوار گردانیدیم در بیابان و در دریا و روزی دادیم ایشانرا از طعامهای پاکیزه و افزونی دادیم ایشانرا بر بسیاری از آنچه آفریده‌ایم افزونی دادنی:

مستفاد و بر کلیه آحاد و فرق و نژاد بنی آدم اطلاق و شامل میشود بطور کلی بمحض دیدن. و ایصال درد و الم و مکروه و اذیت و ناراحتی به یکی از آنها دیگران که مبتلا به درد و الم نیستند بمقتضای بشریت متأثر و متأذی و متألم میشوند مثلاً بکنفر انسان که گرفتار بزخمی بوده در موقعی که جراح و دکتر عملیات و جراحی زخم او را مینماید تماشاچیان که سالم و دارای زخم نیستند مادام عقل و طبع سلیم داشته باشند متأثر و متأسف و غم خوار واقع میشوند و قس علیهذا در سایر موارد از قبیل غرق و حرق و جوع و تشنگی و غیره و اگر از میثاق و عهدی که از آیة ۱۷۲ و اذ اخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریعتهم و اشهدهم علی انفسهم الست

بر بکم قالوا بلی شهدنا ان تقولو یوم القیمة انا کناعن هذا غافلین او تقولوا  
 انما اشرك اباؤنا من قبل وکنا ذریة من بعدهم افتهلکنا بما فعل المبتلون  
 (در سوره اعراف یعنی و یاد کن ای محمد ص چون فرا گرفت پروردگارتو از فرزندان  
 آدم از پشتهای ایشان فرزندان ایشانرا و گواه گردانید ایشانرا بر نفسهای ایشان  
 باقراری که کردند بعضی را بر بعضی گواه ساخت و گفت آیا نیستم پروردگار شما  
 گفتند آری تو پروردگار مای حق سبحانه و تعالی ذریت آدم ع بیرون آورد بعضی  
 را از اصلاب بعض همچون توالد فرزندان از پدران تا نکویند روز قیامت که بدرستی که  
 ما بودیم از این اقرار بیخبران یا آنکه نکویند بجز این نیست که شرک آوردند پدران  
 ما پیش از ما و بودیم ما فرزندان از پس ایشان و اقتدا بدیشان کردیم آیا هلاک میکنی  
 ما را و معذب میسازی بآنچه کردند آن کج روان و بی راهان یعنی پدران ما و چون  
 مشرکان تقلید را دست آویز سازند این سخن از ایشان مسموع نیفتد زیرا که اخذ  
 میثاق بتوحید الهی جل و علا بر هر احدی از ذریت آدم ع واقع شده پس تقلید بدیگری  
 در شرک عذر نشود):

مستنبط میشود همه افراد بنی آدم متفقاً خارج نمیشدند و عدول نمیکردند  
 قانون شرع مطهر هم در معاونت و تأسف و غم خوردن یکدیگر بدون تفاوت و  
 ملاحظه نژاد مکلف و مجبور میکرد و شریک و سهیم یکدیگر را در منفعت و ضرر  
 قرار میداد فقط بوعده امتلاء جهنم از جن و انس عادت اله جاری نشده که تمام  
 انسان قهراً مجبور بشود باینکه یک دین و یک امت واحده باشند فقط بوسیله رسل و  
 کلام سماوی جاده مستقیم و راه راست را نشان داده هر کسی دارای قلوب عالمه و اعین  
 باصره و آذان سامعه باشد مشمول هدایت و تفضل و فیض الهی میباشد و از جاده  
 راست دین اسلام سیر و عبور مینماید همچنانکه آیات قرآنی مشعر بر این است من جمله  
 آیه ۱۲۲ قال اهبطا منها جميعا بعضکم لبعض عدو فاما یاتینکم منی هدی فمن  
 اتبع هدی فلا یضل ولا یشتی ومن اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکاً و  
 نحسره یوم القیمة اعمی) در سوره طه یعنی فرمود خدای مرآدم و حواری که  
 فرو روید از بهشت همه باهم برخی از اولاد شما بر برخی را دشمن بود چنانکه حالا  
 (۷۸)

واقع است از دشمنی و نبرد پس اگر بیاید بشما وقتیکه در زمین باشید از نزدیک من راه نماینده یا آنچه سبب هدایت بود یعنی کتاب و رسول پس هر که پیروی کند آن هدایت مرا پس گمراه نشود در دنیا و برنج نیفتد در آخرت یعنی بعقوبت و عذاب مبتلا نشود و هر که روی برتابد ازهدی که سبب یاد کردن من است بااعراض کند از کتاب من پس به تحقیق من او راست زیستنی تنگ و سخت در دنیا یعنی در کسب حرام افتد یا بعمل بد مبتلا گردد یا قناعت از او بستانند و بدام حرص در ماند و حشر کنیم آن معرض را در روز قیامت نا بینا که هیچ چیز نه بیند مگر جهنم و انواع عقوبتهای آن

و آیه ۱۱۸ و ۱۱۹ ولو شاء ربك لجعل الناس امة واحدة ولا يزالون مختلفين الا من رحم ربك ولذلك خلقهم و تمت كلمة ربك لامتن جهنم من الحق والناس اجمعين در سورة هود) یعنی و اگر خواستی پروردگار تو هر آینه گردانیدی مردمان را همه يك گروه معینی بر يك دین و آمین و همیشه باشند اختلاف کنندگان در حق و باطل چون یهود و نصاری و مجوس و غیره مگر آنکه رحمت کند پروردگار تو بر او و او را بایمان راه نماید چون اهل ملت حنیفه که مسلمانانند و از برای این اختلاف آفریده است خدا مردمان را یا برای رحمت آفریده راه یافتگان را و تمام شد سخن پروردگار تو یعنی کلمه‌ی که با ملايك گفته و آن اینست که هر آینه پر میسازم دوزخ را از عاصیان دیوان و آدمیان که از ایشان کفر و کفری روی نموده همه ایشان (

و آیه ۸۶ ولو شاء الله لجعلهم امة واحدة ولكن يدخل من يشاء في رحمة والظالمون هالمهم من ولی و لانصیر در سورة شوری) یعنی و اگر خواستی خدای هر آینه گردانیدی همه خلایق را گروهی يك تاباشند براه هدایت یا در طریق ضلالت و لکن درمی آرد هر کرا خواهد براه نمونی و توفیق عبادت در بهشت خود و ستمکاران یعنی سرگردانان بیابان غوایت و خذلان از اهل شرك و نفاق نیست مرا ایشان را هیچ دوستی ~~که~~ متولی کار ایشان گردد و نه یاری که عذاب ایشان بردارد

و آیه ۴۸ ولو شاء الله لجعلكم امة واحدة ولكن لیبوكم فيما آتیكم

فاستبوا الخیرات الی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کتم فیہ لختفون  
 در سوره مائده) یعنی واگر خواستی خدا هر آینه می ساخت شمارا یک امت متفق بر  
 یک مات ولكن می آزماید شما را در آنچه شمارا داده است از شراعی مختلفه مناسب  
 هر عصری و زمانی تا مطیع از عاصی متمیز شود پس بشتساید و پیشی گیرید بسوی  
 خیرات که اتباع شریعت است، بسوی خداست بازگشت همه شما پس خبر خواهد کرد  
 شمارا در وقت جزا دادن آنچه هستند که در او اختلاف می کنید از امور دین و  
 شریعت

و آیه ۱۷۹ و لقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن والانس لهم قلوب لا یفقهون  
 بها ولهم اعین لا یبصرون بها ولهم آذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم  
 اضل اولئک هم الغافلون در سوره اعراف) یعنی و بدرستی که آفریدیم ما برای دوزخ  
 بسیاری از دیوان و آدمیان را که حکم ازلی بشقاوت ایشان صادر شده و بر علم قدیم  
 ما اصرار ایشان بکفر و مودت ایشان بر شرک پوشیده نیست مر ایشانرا دلها است که  
 مطلقاً هیچ حقیقتی در نمی یابند بآن زیرا که متوجه شناخت حق نمیگردند و آن  
 آئینه را از زنگار انکار و غفلت بصیقل تصدیق و انابت پاک نمی سازند و مر ایشانرا  
 چشمهاست که بیچوجه روی حق نمی بینند بآن بدان سبب که بنظر اعتبار در مخلوقات  
 نمی نگرند و مر ایشانرا گوشهاست که بیچ روی سخن حق بان نمیشنوند زیرا که  
 بسمع هوش آیات و مواظ قرآنی را الاستماع نمیکنند آن گروه در آنکه مشاعر  
 خود را متوجه باسباب تمیض دارند و مقصور بلذات فانی شمارند مانند چهار پایابند  
 که همت ایشان جز خورد و خواب نیست ملتفت به نعیم باقی و لذت دائمی نیستند  
 بلکه این گروه گمراه ترند از انعام زیرا که انعام را تکلیفی نیست اگر و فاق شرع  
 ندارند بخلاف امر نیز متصف نیستند آن گروه که یاد کرده شد ایشانند غافلان و  
 در غفلت خود کاملان):

بنا بر این تعصب و تأسف و ضرر و منفعت و در قید بودن و غم خوردن و کمک  
 و معاونت بیکدیگر و تقدم و تقرب و لیاقت از روی (اصل دوم آیه ۱۹۴) ان الدین عند الله  
 الاسلام در سوره آل عمران) یعنی بدرستی که دین پسندیده نزدیک خدای

دین اسلام است):

و آیه ۱۰ انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلمکم  
 ترحمون در سوره حجرات (یعنی جز این نیست که مؤمنان برادرانند هر یکدیگر را  
 در دین چه همه منتسب اند باصل واحد که آن ایمان است پس صلاح آرید میان  
 برادران شما هر گاه که نزاعی و خلافی واقع شود و بترسید از عذاب الهی در مخالفت  
 فرمان او شاید که رحمت کرده شوید شما):

و آیه ۱۳ ان اکرمکم عندالله اتقیکم در سوره حجرات (یعنی بدرستی که  
 بزرگترین شما نزدیک خدای پرهیز کارترین شماست چه بتقوی نفوس را رتبه کمال  
 حاصل گردد و هر کرا تقوی بیشتر قدم او در مرتبه فضل بیشتر):

و آیه ۲ و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العداون  
 و اتقوا الله ان الله شدید العقاب در سوره مائده (یعنی یاری کنید یکدیگر را بر نیکویی  
 که متابعت امر است و امتناع بدعت یا پیروی سنت و بر پرهیزکاری و مخالفت هوا  
 و یاری نکنید بر بدعت که ترک فرمان است یا حب دنیا است یا کفر و بر ستمکاری یا اتباع  
 بدعت و بترسید از نافرمانی خدا بدرستی که خدا سخت عقوبت کننده است بر  
 نافرمانان):

در طبقات مختلفه ملحوظ گردیده و فقط مسلك اسلامیت که آزادی حقیقی  
 در نگاهداشتن قانون و شریعت اسلامی است و قدر مشترك در نژاد های مختلفه  
 عالم اسلام معتبر و ابدأ ملیت و نژاد مقصود و طرف توجه نبوده و شایسته نیست شرافت  
 و عزت برای ملیت که تابع و مقرون بقانون الهی نباشد قائل شوند و بلکه ملتسی  
 که بدو مزایا و انتصابات و افتخارش بعنوان قانون الهی بوده و بعداً فخر و هنر هایش  
 فقط تحت عنوان ملیت است از شرافت و عزت و اقبال و وجدان دور است بطوریکه  
 از زمان سعادت حضرت رسول ص تا چندین قرن بعد از آن که در حقیقت عمل  
 بقانون الهی میکردند و آیات سماوی و احادیث نبوی سر مشق و مقتدی به آحاد و  
 افراد نژاد های مختلفه عرب و کرد و فارس و ترک و افغانه و ترکمان و هند و غیره بوده  
 من جمله آیات مذکورات در این اصل و احادیث لایؤمن احدکم حتی یحب لایحیه

ما یحب لشقه یعنی هیچیک از شما مؤمن کامل نیست مادامیکه چیزی که برای خودش دوست میدارد باید مانند خودش برای برادر مؤمن خودش هم دوست بدارد.

من اعطی لله و منع لله واجب لله و ابغض لله استکمل ایمانه یعنی هر کس چیزی ببخشد محض خشنودی خدا یا عمل زشتی را منع نماید یا دوست بدارد و بیسند چیزی را و یا چیزی مبعوض نظرش باشد برای خدا ایمانش کامل است.

والله فی عون العبد ما دام العبد فی عون اخیه خدا معین و مددکار بنده خودش است مادامیکه همان بنده مدد کار برادر مؤمن خودش باشد.

المؤمن الیف مالوف یعنی مسلمان الفت میگیرد با مؤمن و هم با او الفت گرفته میشود.

المسلم اخ المسلم لا یثتمه ولا یظلمه یعنی مسلمان برادر مسلمان است دشنامش نمیدهد و ستمش نمیکند.

المصلون ید واحد علی من سواهم تمام گرویدگان یک نفس و یک دست و یک قوه هستند نسبت بغیر خودشان یعنی وقتی دشمنی با غیر خودشان داشتند باید همه مددکار و معین یکدیگر باشند مانند یک دست حتی بغایت متحد باشند گانه یک دست هستند:

المؤمن من امنه الناس علی انفسهم و دمانهم و اموالهم یعنی گرویدگان کسی هستند که سایر گرویدگان از ضرر بدنی و کشتن و از ضرر مالی او ایمن باشد:

المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه یعنی گرویدگان بحقیقت اشخاصی هستند که سایر گرویدگان از ضرر دست و زبان ایشان سلامت و محفوظ باشند.

لایشیع المؤمن دون چاره کسی که بحقیقت مؤمن باشد تنها خودش را سیر نمیکند در صورتیکه همسایه اش گرسنه باشد بعبارت اخری مادامیکه قدرت داشته باشد نمیکذارد همسایه اش گرسنه باشد:

من لایرحم الناس لایرحمه الله کسی که رحم بر مردم نکند خدا هم رحم باو نمی کند:

خصلتان لایبجتماعان فی مؤمن البخل و سوء الخلق در کرویدگان دو صفت جمع  
نمیشود یکی بخل و یکی خلق زشت:

تمام نژاد متفرقه اسلامی مانند یکنفس و یک نژاد واحد عمل و رفتار کرده اند  
و با کمال علاقمندی بدون حیف و میل و حب و بغض در پیشرفت و ترقیات افراد  
جامعه اسلامی بطریق احسن و رضایت بخش سعی و جاهد بوده و در عین دلخوشی  
و مودت و امانت و صداقت و همراهی و کمک بیکیدیگر اوقات را در کمال سر بلندی و  
شرافت و عزت و وسعت قلبی که بهترین نعمت است میگذرانند و از رعایت و نسکاه  
داشتن همین مسلك حقه و مرضیه اسلامی که در حقیقت تنها جامع و شامل کلیه مسائل  
و موارد مخصوصه مستحسنه سایر احزاب و مرام و مسالك است مثلاً در مسلك بالشویکی  
اهمیت داده اند باینکه اشخاص ندار و بی قدرت از گرسنگی نمیرند و در مقابل کار  
معین قوت لایموت و باندازه بایشان داده شود در مسلك اسلامی بطریق احسن و مرضیه  
بدون اذیت و مزاحمت درماندگان و محتاجین و فقراء و معاونین تشویق و تأکید و  
پیش بینی شده است و مثلاً آزادی زبان و قلم برای اداء و بیان حقایق و مطالب و رفع  
تظلمات و احجافات و محافظه حقوق نسبت بمسلك دمکراتی داده اند در مسلك  
اسلامی بطرز اکمل پیش بینی و تأمین گردیده (اصل سوم) منشاء نفرت و عداوت نژاد  
های مختلفه اسلامی عرب و فارس و کرد و ترك و غیره باهم دیگر و عدول ایشان از  
اصل دوم (مسلك اسلامی و عروه و تقی و حبل الله) بملیت، تبلیغات و تزییقات خارجه  
بود که در اثر تشمت و اختلاف فرق و ضعف عالم اسلام بمرام و منظور خود نائل شوند  
و مزید بر علت و مؤید و مقوی پیشرفت این منظور سوء نظر و بد رفتاری و قبیح سلوک  
و ظلم و احجافات فرق باهمدیگر مخصوصاً بد رفتاری و سوء اخلاق بعضی از آحاد و  
افراد فرق غالب و حاکم بر علیه آحاد و افراد فرق مغلوب و محکوم بواسطه دور  
افتادن از عمل بقانون اسلامی و آیات و احادیث بوده که شمه می در اصل دوم مذکور شد  
مثلاً در این قرون اخیر حکومت ترك نسبت به کرد و عرب و هکذا زمامداران دیگر بر علیه  
کرد و ترك بیشتر از روی ملیت و اغراض شخصی در موارد مخصوصه عمل کرده و قدر  
مشترک مرضیه اسلامی که بحقیقت و کما هو عمل بآن موجب اتفاق و ترویج برادری

و اخوت و عدم تضییع حقوق مردم و اهانت و رفع اختلاف و بغض و اقباض حیثیات و احترامات همدیگر است ترك نموده و از همین لحاظ گاه گاهی در بعضی جاهامشقی از عناصر فاسده و خائن بهمین ملت و مذهب و منفعت پرست و جاه طلب و ماجراجو استفاده و فرصت را غنیمت شمرده بدوآ همین رویه و عملیات عمال و مأمورین حکومت غالب را در انظار افراد عنوان و دست آویز و بهانه عوام فریبی فقط برای استفاده و نیل بمقام و جاه و اجراء اغراض شخصی قرار داده اند نه جلب منفعت عامه و رفع ظلم و اتخاذ رویه حسنه و ترویج اسلامیت و کمک بضعفاء و فقراء و ملت پروری تبصره - بداهتاً و عملاً بمقام عین الیقین رسید و نصب العین گردید که برای آسایش و امنیت و ایجاد عدالت و انصاف و حصول وسع و فرح قلوب متوسل و متشبث بعنوان دیگر غیر دیانت بشوید سهل است. بمقصود برسید منکوب و رذیل و زیان خورده تر خواهید بود - و اگر میخواهید شرافت و عزت و اقبال و عدالت و ترقیات و وسعت قلبی و آسایش دنیا و قیامت حکم روا باشد ترویج و ترغیب و پشت بانسی از دین و قانون حنیف اسلامی بکنید و اشخاص متدین و متقی و وارع حقیقی را پرورده نمایم و روی کار بیاورید و تحت عنوان دیانت حقیقی میتوانید در هر خصوص و از هر حیث بحد کمال برسید و دارای هر گونه مزایا باشید متدین و متقی فقط با ریش و پشم و عمامه و شهرت و لباس و حرف مجرد نیست و بلکه باید حین العمل نتیجه تقوی و دیانت و پرهیز کاری بحیطه ظهور برسد از عقلا و پیشوایان حقیقی و متفدین ادیان مختلفه و مخصوصاً عالم اسلام تمنی میشود تمام افکار و قوه دراکه و عقل و هوش خودشان را جمع نمایند که نتیجه آن و منافع مطلوبه عائد بشخص خودشان است و بنظر عبرت تعمقانه اندیشه و مطالعه فرمایند ملیت مجرد چیست که در میان مردم عنوان و جلوه داده و باعث اختلافات و عداوت و برادر کشی میان مردم و مخصوصاً سبب عقب افتادن و ضعف عالم اسلامی شده است. و در حقیقت فقط آنکه باین عنوان برای قاطبه ملل و مخصوصاً برای عالم اسلام خیلی چیز بی معنی و مزخرف و بی اساس و مقرون بصحت نمیشد و همچنانکه در دولت جماهیر شوروی اهم مقصود و منظور فقط پیشرفت مسلك است